

## مجله ادبیات داستانی چوک

برای دیدن بخشی از صفحات کتاب، لینک فایل پی دی اف (pdf) را ببینید.

یادی از قیصر امین پور

نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد/ در گفتگو با مسعود جعفری جزی

شطرنج با ماشین قیامت/ در گفتگو با حبیب احمدزاده

به سایت نویسندگان ایرانی خوش آمدید/ در گفتگو با بلقیس سلیمانی و شهروز براری صیقلانی برای خلق اثر ادبیات داستانی بلند پستوی شهرخیس مروری بر گفتگوهای این کتاب: فصل اول کتاب چه میخوانید؟

گفتگو با آقای شهروز صیقلانی با نام ادبی بروی جلد آثارش (شین براری) معرف حضور شما کتاب دوستان حوزه ادبیات داستانی بلند میباشد. کتاب «پستوی شهر خیس» اولین تجربه‌ی حرفه‌ای نویسنده‌ی جوان و جویای نام در آغاز فعالیت‌های نویسندگی خلاق محسوب میشود که در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی آبان ماه، توسط انتشارات رستگارگیلان چاپ و روانه‌ی ویرترین کتابفروشی‌های کشور شد. همچنین این اثر خارق‌العاده و متفاوت در میان آثار منتشر شده‌ی دهه‌ی اخیر بعنوان گزینه‌ی شماره یک در قسمتی ملقب به «ترین‌ها» جای دارد. این کتاب یکی از موفق‌ترین نایاب‌ترین و پر حاشیه‌ترین و محبوب‌ترین و تحسین‌شده‌ترین و ممتازترین و تکنیکی‌ترین و پرمحتوا ترین کتاب ادبیات داستانی خلاق و فوق بلند پارسی بشمار می‌آید.

شهروز صیقلانی براری، اهل محله‌ای در مرکز شهر رشت با نام «امین‌الضرب» بوده و پس از اتمام تحصیلات متوسطه و قبولی در دانشگاه، برای گذراندن دوره‌ی تحصیلات دانشگاهی راهی شهرهای چهارگوشه‌ی سرزمین پارسی شده و فارغ از موقعیت مکانی اش همواره دلش به عشق محله‌ی پدری می‌پیچیده و از تمام وجود به آن عشق می‌ورزیده. این علاقه‌ی شدید را میتوان در کتاب پستوی شهر خیس، و یا کتاب بانوی محله ضرب و همچنین آثار داستانی کوتاه و بلندش به وضوح مشاهده کرد.

عشقی بی حد و نصاب که با پیوندی ناگسستنی با کوچه‌های محله و شهر خود، سبب معرفی کردن هرچه بهتر و مدرن تر شهر و سرزمین خود به عامه مردم شده است. وی چنان کمیت و کیفیت را تراز نموده و درون مایه و محتوا را از الگ و صافی گذرانده که سبب خلق اثری بی‌بدیل و جاودانه شده. اثری که تفاوت‌هایش با آثار ادبیات داستانی رایج پارسی انقدر زیاد و قابل لمس است که سبب جلب توجه‌ی اساتید فن و منتقدان حوزه‌ی ادبیات داستانی شد و در پی ساختار شکنی‌های بی حد و مرز این نویسنده و تابوشکنی‌های نو اورانه و بی سابقه اش موجبات محبوبیت خود را فراهم نمود تا اکثر مجلات و ماهنامه‌های ادبیات داستانی و یا نشریات موفق این مرز و بوم، تشنه‌ی مصاحبه‌ی اختصاصی با پرحاشیه‌ترین نویسنده‌ی حال حاضر وطن باشند. مجلات و نشریاتی همچون دوفصلنامه ادبی ویرگول و یا ماهنامه ادبی چوک به مدیریت مریم ریاحی و یا مجله ادبی ادبستان شالی شمال، طی سالهای اواخر دهه نود در دوره‌های چاپ خود به دفعات بسیار به شهروز صیقلانی (شین براری) پرداخته و اسم وی را بروی جلد این نشریات میتوان به تکرار مشاهده نمود.

پانویس؛ دوفصلنامه ویرگول؛ کتابی با محتوای خبری و گزارشی میباشد که با نقد و بررسی‌های آثار نو و جدید پارسی و همچنین مصاحبه و گفتگوی ویژه با نویسندگان و بخشهای مختلف ادبی همچون اخبار مسابقات نویسندگی و یا معرفی آثار موفق و یا آموزش فن نویسندگی و غیره... چاپ و نشر می‌یابد. سالانه دو نوبت این کتاب بصورت دوفصلنامه ادبی چاپ میشود. دفتر مرکزی این دوفصلنامه در شمال ایران و مرکز استان گیلان و در کلانشهر رشت واقع شده است. ویرگول بشکل نشریه‌ای تمام رنگی و با کیفیتی ممتاز در سطح بین المللی چاپ میشود.

شین براری را از دیدگاه سابقه‌ی حرفه‌ای میتوان به نمودا کیفی تحسین برانگیزی تشبیه نمود که با گذر زمان خط سیر پیشرفت وی بشکل یکنواختی اوج میگیرد و هرچه بیشتر پیش میرود اوج میگیرد و از فراز فرود‌های ناگهانی و یا بحران‌های نویسندگی و موانع در چاپ کتاب، هیچ اثری دیده نمیشود.

-----پاورقی-----

موانع و بحران‌های نویسندگی اعم از؛ سختی در بستن قرارداد با ناشر - دشواری در یافتن سرمایه‌گذار - عبور از سد سانسور و تیغ تیز ممیزی - دریافت مجوز فیفا و مراحل بسیار اداری - ثبت در رده بندی کتابخانه ملی - دشواری‌های کسب جواز فیفا - ثبت کد شابک - چاپ - نظارت سازمان نشر کتب - وزارت ارشاد اسلامی - اصلاحیه‌های مکرر - دشواری در ثبات انگیزه‌ی چاپ و نشر یک نویسنده برای انجام پروسه‌ای با صدها گره‌ی کور از جمله ممیزی کتاب و سانسور. خلق اثری ممتاز و موانع حرفه‌ای و فنی و یا دلسردی از انجام و خستگی در مسیر پیش از رسیدن به هدف، و یا ابتلا به پرش افکار و یا پژمردگی خیال و یا ضعف در تکنیک و یا فرم و یا سبک، و یا اختلال در تداوم انجام وظیفه و یا جبر مراحل اداری و یا حتی گذار به دوره‌های روحی متضاد با خلاقیت و نبوغ و ناتوانی در بالا بردن کیفیت و توازن کمیت و ادغام ناموفق سبک با ژانر و درون مایه، و یا انتخاب ناموفق در ایده و یا پردازش و پرداخت غلط شخایص و کاراکترها و یا ناتوانی در پیوند اجزای پیرنگ فرعی با پیرنگ اصلی و یا بحران‌هایی

مانند خشکی قلم، و یا بحران کمبود کاغذ و تغییرات شدید نرخ نشر کتاب و افزایش هزینه ها و تورم و بی میلی مخاطبین در قرار دادن بودجه مختص خرید کتب در سبد خانواده و یا افزایش نسخه های غیر مجاز کپی از آثار و عرضه رایگان اکثر آثارش در فضای مجازی و یا اخلاص و ضعف مشهود بخش توزیع کتب در حوزه نشر و امثالهم ...

تعبیر پیشگویی های بدایه وار در قالب نصیان گویی های یکی از شخصیت های محبوب با نام «نیلیا» در آثار شین براری، تعجب و حیرت همگان را در برداشته و جایگاه شهروصیققلانی را از سطح یک نویسنده ی ادبیات داستانی موفق به جایگاهی بالاتر و ماندگار تر از پیش بهبود بخشید و از وی تصویری کامل تر و خردمند تر از جایگاه و حد و حدود یک نویسنده ی جویای نام ترسیم نمود.

زیرا مادامی که یک فرد خردمند و اهل قلم درون جامعه بر زوایای پنهان عرفان و ایمان درست و طهارت روح و پاکی جسم و درستی اندیشه اشرف نداشته باشد محال ممکن است قادر به چنین پیشگویی های دقیقی از حوادث آینده باشد. پس نتیجه میگیریم که وی به دور از هرگونه خودنمایی و یا حتی ادعا در اوج فروتنی و بی ریاحی اقدام به چاپ کتابی داستانی فوق بلند بانام «پستوی شهر خیس» نموده تا زیرکانه و هوشمندانه چندین مورد از پیشگویی های اعجاب انگیزش را در قالب جملات ممتد و هزین وار در لحظات تشنج شخصیت اصلی داستانش یعنی، نیلیا، درون متن اثر بگنجانند و با این شگرد از پس ممیزی کتاب و سد وزارت ارشاد اسلامی عبور کند و مبتلا به تیغ تیز سانسور نشود. تا عاقبت داستان فوق بلند با نام «پستوی شهر خیس» از سوی نشر رستگارگیلان و با نویسندگی شهروصیققلانی با نام تخلص ادبی وی «شین براری» بروی جلد اثر در سال ۱۳۹۶ در تیراژ محدود چاپ و نشر گردد و پس از گذشت سه سال بعد از چاپ و نشر آن، با وقوع حوادث گوناگون و وقایع غیرمترقبه در نقاط گوناگون این سرزمین مادری، توجهات عموم به شباهت بی حد و نصاب و مطابقت صد در صدی جملات بظاهر بی معنای لحظات هزینانگویی نیلیا درون کتاب «پستوی شهر خیس» جلب شود. تا همگان در حیرت بمانند که چگونه چنین امری ممکن است.

بعنوان ذکر مثال در صفحه ۲۸۳ سطر پایانی، نیلیا کنار چشمه ی آب زلال خیره به نقطه ای نامعلوم غرق افکاری مخشوش شده و پیش بسوی سرازیری تشنج های ممتد شتابان میشود و هزین ها بی معنا و بی منظور گفته میشود و نیلیا زیر لب زمزمه میکند:

اگه تقویم دیواری تاس بندازه و تقدیرش حکم کنه، یه وجب از بندر جدا بشه، راهی دریا بشه، یهوایی دعوا بشه اتش بیاد، غوغا بشه، اون یه وجب وسط دریا از تشنگی بسوزه تا غرق توی نفت ها بشه. این زمین تشنه شده، میخوان ابرها رو دعوا کنن، ابرها گریه کنن. سفره ی هفت سین رو سیل بیره. چهار فصل توی ناخوش احوالی و ترس بریا بشه، تقدیر تاس بندازه جفت ۹ بشه. باز عید رو با هفت سین سیل بیره، دنیا نفساش مسموم بشه، نوبت واکسن بشه پرند ها بمیرن ...

هاجر؛ نیلیا باز که داری چرت پرت میگی واسه خودت، چرا اینجا نشستتی؟

\_\_\_\_\_ضمیمه زیر در ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ افزوده شد\_\_\_\_\_

(مصادق تعبیری از سیل در اول فروردین سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ شمسی هستش، وقتی میگه هفت سین رو سیل بیره. و شاید منظور از یک وجب از ساحل جدا میشه، از تشنگی وسط دریای دور میسوزه و غرق توی نفتا میشه، شاید تعبیری از کشتی سانچی باشد. این جملات در کتاب پستوی شهر خیس در سال ۱۳۹۴ نوشته شده است و در ۱۳۹۵ چاپ و منتشر شده است. به حوادثی همچون فوت آقای هاشمی رفسنجانی در استخر فرح و یا حتی آتشسوزی مجتمع پلاسکو نیز بطرز عجیبی اشاره شده است) «پیوست مدیریت و بسایت اضافه شد»

\_\_\_\_\_ادامه\_\_\_\_\_

. نکته

نویسنده ی نامبرده شده در گفتگو با نشریات و ماهنامه الکترونیکی چوک سری ۱۱۸ هرگونه پیشگویی را درون کتابش منکر شد و مدعی شده است که خودش نیز همانند مخاطبین و خوانندگان آثارش از مطابقت هزین های شخصیت محبوب داستانش با وقوع حوادث رخ داده در سال اخیر متعجب و در حیرت است و چنین نیت و هدفی در چاپ و نشر این کتاب ممنوعه و توقیفی از سوی وزارت ارشاد نداشته و در یک جمع بندی اجمالی عنوان داشته است که اثر «پستوی شهر خیس» بخاطر پاراگراف دوم صفحه ی ۳۷۶ و قسمت مربوط به کابوس نیلیا دچار توقیف و ممنوعیت چاپ مجدد شده و این پاراگراف نیز در کتابه ای ادیبانه و در سایه ی مضمون کابوس، بعبارتی اعتراضی حق طلبانه از سوی نویسنده بوده است بر علیه انجام حذف فیزیکی دگر اندیشان، روشنفکران و یا سرکوب و سانسور صدای مخالف و یا نقد ناپذیر بودن و اللخصوص مرگ نویسندگان و ماجرای قتل های زنجیره ای دوره ی اصلاحات در خزان ۱۳۷۷ و ترور هفتاد و هشت نویسنده ی روشنفکر بهمره چند کودک و طفل بی گناه از جانب افرادی خودسر از میان پرسنل سیستم سازمان اطلاع xxx.. اینها دلایلی برای نوشتن کابوس کتابه امیز شخصیت نیلیا بوده

آثار شین براری با استقبال خوبی مواجه بوده است و آثار وی توسط اهالی فن نویسندگی و جامعه نویسندگان مورد توجه و تشویق قرار گرفته است و جوایز داخلی مانند جایزه داستان نویسی بهرام صادقی و جایزه چیدمان واژه چین در قسمت سبک فرمالیسم هنری و یک جایزه نیز از جشنواره تیرگان در تورنتوی کانادا در ۲۰۱۹ میلادی برایش به ارمغان آورده. آثارش نقد های جنجالی و تحسین برانگیز بسیاری را طی چند صباح اخیر در بر داشته. آثار متعددی از شهروز براری صیققلانی در فضای تارنمای مجازی بصورت فایل های pdf و یا نسخه های اینترنتی و فرمت های رایج موجود است که همگی بازنویسی های مخاطبین از روی آثار اصلی میباشند و متأسفانه با بی دقتی و بشکل سلیقه ای و گزینشی از میان متن اصلی انتخاب و

بازنویس و تایپ شده که از کیفیت و ارزش ادبی همتراز با نسخه اصلی برخوردار نیست و اکثراً چکیده ای از روایت هر داستان را شخصی علاقه مند و مخاطبی خاص مجدد تایپ نموده و خواسته است تا تجربه ی زیبای خواندن آثار مربوطه را با عموم به اشتراک بگذارد اما این امر سبب بروز سوتفام و سو برداشت از جانب خوانندگان آن مطالب میشود زیرا میپندارند که در حال مطالعه ی نسخه ای مجازی از داستان مربوطه اند اما آنان نسخه ی شخص صاحب آن وبلاگ و یا وبسایت را میخوانند که هیچ شباهتی با چیدمان واژگان نویسنده ی اصلی ندارد. بلکه خلاصه ای از قول مدیریت همان فضای مجازی است که بر پایه علاقه و لطفش نسبت به آثار تهیه شده و بی تردید شامل تغییرات عمده و منحصربفرد خودش است. آثار شین براری را میتوان برحسب رندوم و تصادفی بصورت مشتئی از خروار اینچنین معرفی نمود؛ نامهای: پسرک رودخانه ی زر - داستان پیچ و خم محله ی ضرب، داستان وارونگی هویت - داستان مریم السادات - داستان هاجر - چشمان بددهن - سوشا - خانه وارثی - از بچگی تا مچگی - عاشقانه های حلق اویرز - عاشقانه های صورتی - داستان های کمری - عشق فجمید - کوجه اجنان - کلیمه - بدایه های شین براری - بانوی محله ضرب - شهر خیس - تقدیر وارونه - کنس - چشمان بهار - رمان نگین - کتاب گلثیتی - هاجر - نذر اشتباه - قتل بوکسور شهر - من بازیگری بدم - جوجه کلاغ صدساله شهر - آپوچی جان - شهلا بلنده - شوکت و ماهی گلی - داستان نیلیا - داستان مانکن قرضی - داستان دخترک غمفروش و پسرک غزلفروش - داستان بلند او هام - داستان فوق بلند مهربانو - باغ توسکا - پیردختر شهر - نذر اشتباه - خمیدگی عشقی - تومور عین شین قاف و ..... سالهای سه دهه ی زندگانی اش را در این گفتگو نمونه کاملی از یک پژوهشگر است که با صبر و تلاش بی وقفه توانسته دریچه تازه ای از زندگی، روابط، طرز فکر و سبک زندگی شهروز براری صیقلانی را به روی ما بگشاید. در این مطلب از سری شماره آبان ماه ۱۳۹۹ به هیچ کدام از هزار جنبه ی برتر و ممتاز شین براری در عرصه نویسندگی خلاق پرداخته نشد، بلکه تنها گریزی بود بر مرور مجدد حضور پر رنگ وی و جای خالی آثارش در برهه ای که شرایطش با یک نویسنده ممنوع القلم و بایکوت هیچ تفاوتی ندارد و اهالی حوزه ی ادبیات داستانی یکایک چشم انتظار ساختارشکنی هایش، نو اوری هایش - خلافت های بی بدیل و منحصر بفردش - اقدامات شوکه اورش همچون موفقیت وی در پیوند سبک فرمالیسم هنری مکتب روسی با ادبیات داستانی پارسی، خلق آثار چند لایه و تکنیک های منحصربفردی مانند تکنیک ردپا و تکنیک دوفر جام و دلنگ جوان بی ادعای شمالی که شبیه هیچ کس ننمیشد و از هیچ کس تقلید و پیروی نمیکرد و تمام معادلات را چنان برهم میریخت و نوآورانه از صفر تا صد واژه واژه به خط میکشید و جملات را به صف چیدمان میکرد و بین سرزمین های ادبی پل میزد و خطوط قرمز را در مینوردید و صدای اعتراض اهالی قلم را در آورده و سپس مجدد تعریف جدیدی از حد و حدود و معیارهای عرف نویسندگی تعیین مینمود و در چارچوب مرام مسلک ازاد مردانه ی خود قدم میزد و قلم میرقصاند بر کویر تشنه ی کاغذ که نظیر نداشت. او را با تفاوت های پر رنگش دوست میداریم و برادروار برایش آرزوی سلامت و توفیق روزافزون داشته و حتم داریم که سکوت او، خالی نیست، زیرا گاهی از عمق سکوت باید صدای قدم های طوفان را شنید، ما عادت به غبرمنتظره هایش داریم و چشم انتظار حضور و هنرنمایی اندیشه اش در عرصه ی اهل قلم و خرد هستیم. با توجه به اینکه هیچ حکم مکتوب و مستند برای توقیف قلم میم - مودب پور - بیگی - شین براری - فاطمه اختصاری - یغما گلرویی - صادر نشده و صرفاً بنا بر دستوره های شفاهی و فشار از بالا تمامی ناشرین از عقد قرارداد کاری با آنان منع شده اند امید آن میرود که با آغاز دوره ی ریاست جمهوری جدید در سال ۱۴۰۰ و انتصاب وزیر لایق و صالح در وزارت ارشاد اسلامی همچون وزیر پیشین دکتر علی جنتی، مجدد شاهد رونق و آزادی قلم و اندیشه باشیم. اما خطاب به دو نویسنده موفق و آشنا سرکارخانم فاطمه اختصاری شاعره ی خوش طبع و احساس و جوان قیصر ادبیات داستانی بلند شین براری به یاد بدارید که مادامی که مستقل از گرایش و جناح بندی بمانید تبدیل به هدفی ثابت و پابرجا برای هردو جناح رغیب خواهید بود و این کار را برایتان دو برابر دشوار خواهد نمود. زیرا در صورت تعلق به سمت و سوی مشخصی، دیگر حملات به شما تنها از جانب یک جناح رغیب مورد قضاوت قرار خواهید گرفت و حتی میتوانید از سایه بان امن حریم مشترک نیز بهره ببرید. اما اعلام عدم تعلق به جناح بندی های رایج سبب میشود به هدفی راحت و در دسترس مبدل شوید.

ر فصل دوم این مقاله به چه پرداخته ایم؟

از صفحه 112 چه میخوانید،

•• هشت مصاحبه ای که در فصل دوم این کتاب آمده است حاصل گزینش از میان بیش از 250 مصاحبه تخصصی با نویسندگان و صاحب نظران حوزه ادبیات است که در طول سال های فعالیت نگارنده در روزنامه ها، خبرگزاری ها و مجلات با آنها به گفتگو نشسته است. دهه ای که هم از نظر کمیت آثار تولیدی و هم از نظر حضور نویسندگان جوان دهه ای قابل توجه است. حالا بعد از گذشت چند سال از انتشار این گفتگوها، با مرورشان می توان بخشی از فضای داستانی دهه 80 را درک کرد؛ دهه ای که منتقدان نظرهای متفاوتی در مورد آن دارند و دست یابی به تبیینی دقیق و مستدل درباره آن نیازمند پژوهشی مستقل است.

هدف از گردآمدن این مجموعه گفتگو در قالب یک کتاب یاری رساندن به پژوهشگران و علاقه مندان ادبیات برای آشنا شدن با فضای ادبی دهه ای است که در همه عرصه ها فراز و نشیب های بسیار داشت؛ از فضای متناقض سیاسی گرفته تا تغییر فضای اجتماعی و شیوه های مطالبه گری مردم که با پژوهشی گسترده می توان تأثیر آنها را بر ادبیات نیز مشاهده کرد.

همچنین جای خالی گفتگو با نویسندگان شاخص زیادی در ژانرهای دیگری مانند ادبیات فانتزی، عامه پسند، کودک و نوجوان، علمی تخیلی، وحشت و

ده‌ها موضوع دیگر در این کتاب خالی است؛ اما هدف از کنار هم قرار دادن این هشت گفتگو ایجاد دریچه‌ای به فضای جریان‌ساز ادبیات در دهه 1380 است.

مسعود جعفری در سال‌های اخیر با ورود به حوزه ترجمه، آثاری قابل‌تأمل و ارزشمند را به عرصه ادبیات معرفی کرده است؛ آثاری که کارنامه او را هر چه پربارتر کرده است.

با وجود انتقادات و نظرات مختلفی که نسبت به ادبیات داستانی دهه 80 وجود دارد، غالب منتقدان به شکوفایی ادبیات دفاع مقدس در این دهه اذعان دارند. تیراژ کتاب‌ها، تولید آثار متفاوت و البته ماندگار و ترجمه‌های پی‌درپی این گونه ادبی به زبان‌های دیگر، مهر تأییدی بر این ماجراست. هر چند در حوزه ادبیات دفاع مقدس، اغلب آثار زندگی‌نامه‌ای ارزش و اعتبار بیشتری پیدا کرده‌اند اما رمان‌ها و مجموعه داستان‌های کوتاه درخشانی نیز در این دهه منتشر شده است. یکی از این آثار «شطرنج با ماشین قیامت» نوشته حبیب احمدزاده است. رمانی که از زمان نگارش تا انتشارش حدود نه سال به طول انجامیده و از زمان انتشار تاکنون هنوز در شمار رمان‌های پرفروش دفاع مقدس است. حبیب احمدزاده در گفتگو درباره این کتاب به خوبی تعهد خود نسبت به ادبیات و دغدغه ترویج‌گفتمان دفاع مقدس را بروز می‌دهد. هر چند او نویسنده پرکاری نیست اما همین یک اثر نیز نامش را در فهرست بهترین‌های دهه 1380 و البته نویسندگان شاخص ادبیات دفاع مقدس ثبت کرده است.

-----پانویس-----

مجله دوفصلنامه ویرگول؛ سری چهاردهم بزودی

گفتگوی سوم با بلقیس سلیمانی است. او در دهه 80 با رمان «به هادس خوش آمدید» به ادبیات زنانه رنگ و بوی دیگری بخشید و توانست توجه مخاطبان بسیاری را نیز به آثار خود معطوف کند. «به هادس خوش آمدید» در زمستان سال 88 توسط نشر چشمه به بازار آمد و چند ماه بعد توانست چاپ دوم خود را تجربه کند. نشست‌های نقد و رونمایی برگزار شده بعد از چاپ کتاب، معرفی گسترده این اثر در مطبوعات و توجه منتقدان به این اثر موجب شد بسیاری به این باور برسند که موفقیت این نویسنده در خلق مجموعه داستان «بازی عروس و داماد» و رمان‌های «خاله‌بازی» و «بازی آخر بانو» اتفاقی نبوده است.

محمد رضا پورجعفری نیز به عنوان صاحب یکی از تجربه‌های متفاوت نویسندگی در دهه 1380 در گفتگوی چهارم این کتاب لایه‌های زیرین اثرش را مورد بررسی قرار می‌دهد. او با انتشار مجموعه داستان «دیدار با خورشید» که در سال 1386 منتشر شد، با نگاهی متفاوت به جریان‌های خاص سیاسی دهه 1360 به دنبال موفقیتی بود که در مجموعه داستان «ساعت گرگ و میش» در سال 1379 برای خود رقم زده بود. این مجموعه داستان هر چند تجربه چاپ‌های متعدد را به خود ندید، اما در نوع خود اثری قابل بررسی است. این اثر با وجود این که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است، اما خواننده در آن با خط داستانی مشخصی مواجه می‌شود؛ خطی که مانند قطعه‌های پازل بعد از کنار هم قرار گرفتن، هویتی واحد را به نمایش می‌گذارد تا خواننده با مقصود و غرض نویسنده از انتشار چنین اثری مواجه شود. این ویژگی را عمدتاً در داستان‌های کوتاهی که در دهه 1380 خواننده‌ایم کمتر مشاهده می‌شود، «دیدار با خورشید» اثری است که برای پژوهش در حوزه داستان‌های کوتاه دهه 1380، نباید آن را نادیده انگاشت.

جعفر مدرس صادقی خالق رمان «گاوخونی» با انتشار 5 اثر، بخت خود را برای خلق اثری قابل ستایش آزمود. «من تا صبح بیدارم» در سال 1382، «دیدار در حلب» در سال 1383، «آب و خاک» در سال 1384، «بیژن و منبژه» در سال 1387 و در نهایت «توپ شبانه» که محور گفتگوی او در این کتاب است در سال 1388 منتشر شد. تعداد آثار منتشرشده و تجربه‌های مختلف در این رمان‌ها نشان از تلاش‌های ستودنی نویسنده‌ای دارد که می‌خواهد از زیر بار سنگین رمان مشهورش یعنی «گاوخونی» خارج شود. جعفر مدرس صادقی در شمار نویسندگان پرکار و موفقی است که در چهار دهه بعد از انقلاب آثار متعددی منتشر کرده است.

گفتگو با جمال میرصادقی در این کتاب فضای متفاوتی دارد. او با رمان «دندان گرگ» در سال 1387 به دنبال تجربه فضای تازه‌ای در ادبیات داستانی بود تا بتواند اقبالی را که بعد از انتشار «شب چراغ» در سال 1355 به آثار خود دیده بود، دوباره احیا کند. هر چند رمان «شب چراغ» و «دندان گرگ» دو دنیای متفاوت را روایت می‌کنند اما برآمده از قلم یک استاد داستان‌نویسی است که عمر حرفه‌ای خود را وقف داستانی‌نویسی و آموزش آن کرده است. جمال میرصادقی در شمار معدود نویسندگانی است که از دهه 1340 تاکنون حضوری فعال در عرصه داستان‌نویسی کشور داشته و آثار متعدد او گواهی برای مدعاست.

یکی از گفتگوهای متفاوت این مجموعه، گفتگو با کاوه میرعباسی درباره رمانی است که در دهه 1380 موفق به انتشارش نشد. گفتگوی کاوه میرعباسی در این کتاب خاص پیگیری یک خبر خاک‌خورده در خبرگزاری‌ها بود؛ اینکه میرعباسی مدت‌ها به قولی که برای انتشار هفت‌گانه سودابه داده عمل نکرده بود. در این گفتگو میرعباسی از اولین تجربه‌های نویسندگی‌اش بعد از ترجمه و انتشار «دلبران گمگین من» می‌گوید. با نگاهی به کارنامه کاری این مترجم که با تسلط به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی بیش از 20 اثر را به فارسی ترجمه کرده است، می‌توان حضور

فعالش را در فضای ادبی دهه 80 به خوبی مشاهده کرد.

به نقل از نویسنده گفتگو با هاشم اکبریانی درست زمانی شکل گرفت که این کتاب در حال آماده‌سازی و ویرایش بود. پازل گفتگوهای او برای معرفی بخشی از چهره ادبیات دهه 1380 یک نویسنده را کم داشت. گفتگو با نویسنده «باید بروم» می‌توانست بهترین گزینه باشد. بعد از 8 سال از انتشار کتاب، هاشم اکبریانی قبول کرد در باب این کتاب صحبت کند؛ در حالی که بعد از این رمان چند اثر دیگر نیز روانه بازار کرده و «باید بروم» در عمل از چرخه توزیع و تبلیغ ناشر خارج شده است. «باید بروم» از نظر ساختار روایی یکی از رمان‌های متفاوت دهه 80 است که تجربه آن در کمتر رمانی تکرار شده است. هر چند این رمان نمونه‌ای متعالی از یک اثر داستانی نیست، اما جسارت نویسنده در ایجاد دریچه‌ای تازه به ساختار روایی داستان ستودنی است؛ تجربه‌ای که شاید روزی با فراگیر شدنش بتوان آن را پیشگام خلق روایت ایرانی در داستان دانست.

فهرست مطالب کتاب

دیدار با خورشید/ در گفتگو با محمدرضا پورجعفری

توپ شبانه/ در گفتگو با جعفر مدرس صادقی

دندان گرگ/ در گفتگو با جمال میرصادقی

سین مثل سودابه/ در گفتگو با کاوه میرعباسی

زمان ایجاد: پنجشنبه ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ - ۰۲:۳۷:۳۲ آخرین تغییر: یکشنبه ۱۴۰۰/۰۱/۰۱ - ۲۰:۵۳:۴۰

<http://bit.ly/SimNote>

